تحليلى بر انتفاضه ى دوم در فلسطين اشغالى

 محمد ترابى

 على رغم راه افتادن انتفاضه ى دوم در عرصه ى مبارزه عليه رژيم صهيونيستى, اقدامات اشغال گران هم چنان رو به افزايش و گسترش است. پيام واقعى انتفاضه, انكار اشغال سرزمين هاى فلسطين توسط اسراييل است و به عبارت ديگر هدف اساسى انتفاضه و قيام مردمى فلسطين, پايان دادن به تجاوزات اشغال گرانه ى رژيم صهيونيستى است و تا زمانى كه اين روند وجود داشته باشد, فرض وجود صلح ميان فلسطين و اسراييل ناممكن خواهد بود.

 در حال حاضر انتفاضه به مجموعه اى از آشوب ها و بى نظمى هايى گفته مى شود كه مردم فلسطين عليه نيروهاى اسراييلى انجام مى دهند. رسانه هاى عمومى نيز پيوسته به جهانيان اين گونه القإ مى كنند كه فلسطينيان دست به يك سرى اقدامات شورش گرايانه عليه ملت اسراييل زده اند و دولت اسراييل نيز از اين گزارش ها بهره بردارى سياسى مى كند. اما واقعيت امر كاملا معكوس است و اسراييل با اقدامات تجاوزكارانه ى خود مى كوشد ملت فلسطين را نابود كند.

 معادلات موجود در عرصه ى بين الملل نشان مى دهد كه انتفاضه ى مردم فلسطين ـ كه تاكنون صدها كشته و معلول برجا گذاشته است ـ به جنبش خلاق و هدفمند تبديل شده است .

 تغيير رويكرد كانون هاى خبرى پس از حوادث 11 سپتامبر از سرزمين اشغالى فلسطين به سوى امريكا و به دنبال آن افغانستان, باعث پديد آمدن بهترين موقعيت براى دولت غاصب صهيونيستى گرديد, تا جايى كه اين رژيم با كليه ى امكانات خود, دست به تصرف پاره اى از اراضى دولت خودگردان زد و از ترور فعالان سياسى گروه هاى فلسطينى و به خاك و خون كشاندن مردم بى دفاع اين سرزمين فرو گذار ننمود.

 امروز خشم و غضب سراسر وجود افرادى را فرا گرفته كه فلسطين را دوست دارند. جنايات شارون در اين سرزمين فجيع تر از آن است كه وى در سال هاى 1971 و 1982 م مرتكب آن شده است. شارون در اين سال ها, دستور قتل عام فلسطينيان ساكن در روستايى در اردن و اردوگاه هاى صبرا و شتيلا را صادر كرد.

 ما در زمانى شاهد حمله ى نظاميان اسراييلى عليه ملت فلسطين هستيم كه شرايط اخلاقى جهانى نسبت به گذشته تغيير يافته است. اكنون رسانه هاى ارتباط جمعى نقش بسزايى درخنثى سازى اهداف ضد فلسطينى سردمداران ((تل آويو)) دارند. با توجه به سلطه گرى امريكا و سيطره ى آن كشور بر جهان و سكوت مجامع بين المللى در قبال جنايات يهوديان, حس خونآشامى آن ها برانگيخته شده و با شدت فراوان دست به قتل عام فلسطينيان مى زنند.

 آن چه يهوديان از تحليل آن عاجز هستند عدم تحليل صحيح از بحران كنونى فلسطين و انتفاضه ى مردم است. آن ها هنوز نتوانستند براى خيزش مجدد فلسطين و آشوب هاى سرزمين هاى اشغالى ارزيابى و تفسيرى درست ارايه دهند. آن چه در تاريخ اين حركت به خوبى مطرح مى باشد آن است كه مهم ترين خصوصيت مردم فلسطين اين است كه از آغاز سال 1948 تا كنون در آوارگى به سر مى برند و اشغال سرزمين فلسطين پس از اشغال سرزمين كره توسط ژاپن, طولانى ترين و تلخ ترين اشغال در جهان معاصر محسوب مى شود.

 ويرانى خانه ها, اشغال زمين ها, آواره كردن مردم و اسكان يهوديان جديد; همواره با اين اشغال همراه بوده است. در دوره هاى اخير نيز ديده مى شود كه با توجه به انعقاد پيمان ((اوسلو)) ميان اعراب و اسراييل (تحت نظارت امريكا) هم چنان اشغال, ظلم و تجاوز به حقوق فلسطينيان ادامه دارد و ناظران آگاه به خوبى دريافته اند كه پيمان ((اوسلو)) ادامه ى همان اشغال سرزمين هاى فلسطينى است.

 آن چه پس از اين پيمان طى هفت سال گذشته رخ داد, هيچ تفاوتى با وضعيت غمبار گذشته ندارد. بسيارى از ساكنان كرانه ى غربى در وضعيت اسفبارى زندگى مى كنند, اكثر آنان بيكارند و معيشت آنان به سختى تإمين مى شود.

 پيمان ((اوسلو)) در نهايت اشغال سرزمين هاى فلسطينى را روان و آسان نمود و اين طبيعى است كه مردم فلسطين پس از گذشت هفت سال و تجربه ى روزهاى تلخ و عذاب آور ـ كه براى نخستين بار در تاريخ, توسط خود نيروهاى فلسطينى صورت مى گرفت ـ چاره اى جز هجوم به خيابان ها و پناه آوردن به چوب و سنگ نداشته است. به شهادت اكثر تحليل گران سياسى, نخستين عاملى كه سبب انفجار مجدد انتفاضه گرديد, ورود ژنرال شارون به همراه بيش از هزار مرد مسلح به حريم ((مسجد الاقصى)) بود. شايد زيارت يك يهودى از اماكن مقدسه قابل توجيه باشد, اما شارون به گونه اى وارد ساحت مسجد الاقصى شد كه شورش ساكنان غريب مناطق اشغالى را در پى داشت.

 عامل دوم, وجود دولت خود گردان فلسطين است كه با سياست هاى غلط خود بحران را مضاعف كرده و راه را براى تجاوز بيشتر هموار ساخته است و در حقيقت, در سال حاضر اسراييل براى تحقق اهداف خود پشتيبانى حكومت خودگردان را به عهده دارد. مردم فلسطين اين بخش از علل را به خوبى دريافته اند كه تشكيل دولت مستقل رويايى بيش نيست; زيرا حاكميت واقعى تنها از آن اسراييل است و دولت خود گردان عملا براى بسط و گسترش قدرت اسراييل تبديل شده است. البته اين بدان معنا نيست كه دولت اسراييل, ولو به همراهى دولت خود گردان از راه اندازى سياست هاى استكبارى خويش موفق بوده است; بلكه امريكا حامى اصلى شارون هم از او نااميد شده است. امريكايى ها دريافته اند كه تنها حامى يك بازنده هستند, زيرا در نزد افكار عمومى جهانى مطرود شده و حتى بين هم پيمانان خود متحمل زيان هاى شديدى شده است.

 آن چه امروزه مى توان در تحليل اوضاع غمبار فلسطين مطرح نمود; توجه به چند امر است:

 1. مسإله ى فلسطين تنها محدود به جهان عرب يا اسلام نمى شود, بلكه فلسطين مورد توجه بسيارى از ملل با تفكرات و گرايش هاى مختلف و بعضا متناقض با يكديگر است كه رسيدن به اين هدف در گام اول نيازمند يك رهبر بيدار و هوشيار است; زيرا مسإله ى فلسطين موضوعى نظير گفت وگوى تجارى يا راهى براى صعود به هرم قدرت و سياست نيست.

 2. در جهانى كه يك كشور بر آن سيطره دارد هر اقدام سياسى بدون شناخت عميق از تاريخ و جريانات سياسى و فرهنگى حاكم بر آن كشور كه بعضا متضاد با يكديگر است كارى بى فايده خواهد بود. به عبارت بهتر, دوستداران آزادى فلسطين بايستى با اقليت هاى مسلمان ارتباط داشته و امورات خود را با آن ها هماهنگ سازند.

 3. عوامل نقشآفرين در تحولات فلسطين بسيار است. مهم ترين اين عوامل, قدرت نظامى است, اما در كنار آن قدرت ديگرى نيز وجود دارد كه اسراييلى ها به خوبى توانستند از آن بهره بردارى كنند كه قدرت افكار عمومى غرب است. اسراييلى ها با نفوذ در رسانه هاى ارتباط جمعى غرب توانستند چهره اى خوب از خود ترسيم كنند و مردم فلسطين را به عنوان مردمى خشن كه پايبند به هيچ ارزش انسانى نيستند معرفى كنند. اين سوء استفاده تا امروز حدود 54 سال است كه ادامه دارد.

 امروزه افكار غرب از اسراييل و جنايات او حمايت مى كنند و به محض شنيدن نام فلسطين, واژه ى ((تروريسم)) در ذهنشان تداعى مى شود.

 آن چه اكنون و در اين برهه از زمان مهم است و بايد با وفاق بين المللى در سطح كشورهاى مسلمان دنيا صورت پذيرد, تنوير افكار عمومى مردم دنيا نسبت به مواضع مسلمانان در قبال مسإله ى ((ترورسيم)) است. شايد بدين وسيله بتوان ذهنيت دنيا را در نسبت دادن تروريسم به اسلام كه حاصل بمباران تبليغاتى رسانه ها و پاره اى از دولت هاى غربى است خنثى ساخت و به نوعى افكار بين المللى را به مسإله ى فلسطين و كشتار مردم مسلمان و بى دفاع اين كشور توسط رژيم صهيونيستى معطوف ساخت, مسلما در غير اين صورت بايد شاهد يك جنگ صليبى تمام عيار ديگر در گستره ى دنيا باشيم.

 امريكا كه امروزه پرچم دار مبارزه با تروريسم در قالب حقوق بشر است, مدت زمانى بيش از 30 سال است كه از رژيم غاصب اسراييل حمايت مى كند, رژيمى كه دست سران آن تا مرفق به خون بى گناه فلسطين آلوده است. كشتار, ترور و تخريب خانه هاى مردم, بارزترين مصداق تروريسم است كه رژيم صهيونيستى از هيچ يك از آن ها فروگذار ننموده است. در حقيقت اين رژيم با حمايت كامل نظامى و اقتصادى امريكا به عنوان بزرگ ترين پايگاه تروريزم دنيا عمل و حتى اقدام به سركوب مخالفان خود در ساير كشورهاى دنيا نموده است.

 از سوى ديگر امريكا حتى از صدور قطع نامه هاى سازمان ملل عليه اين كشور جلوگيرى به عمل مىآورد و با وتوى آن ها مانع هرگونه مخالفت جهانى با اين رژيم مى شود; پس اين كشور خود بزرگ ترين حامى تروريسم در دنيا است.

 آن چه مى تواند به عنوان عاملى مهم در جهت پيشبرد انتفاضه و نفى مشروعيت حكومت اسراييل توسط دولت هاى عربى صورت گيرد, اين مواضع اصولى است كه بايد ميان دولت اسراييل و امريكايى هاى يهودىتبار شكاف ايجاد نمود, زيرا در ميان يهوديان ساكن امريكا, گرايش ها و ديدگاه هاى مختلف و متضادى وجود دارد; بنابراين وظيفه ى دولت هاى عربى اين است كه درون آن ها نفوذ كرده و آن ها را به خواسته ها و ديدگاه هاى خود متمايل سازند. اين كار در حقيقت همان كارى است كه ويتنامى هاى ساكن امريكا در جنگ با امريكا انجام دادند و با تإثير بر نخبگان سياسى امريكا, سياست و ذهنيت مردم امريكا را تصحيح كردند و نتيجه ى جنگ را به سود خويش رقم زدند. براى مثال ارايه ى تصويرى انسانى از وضعيت اسفبار فلسطينيان مى تواند تإثير بسزايى در اذهان عمومى داشته باشد و متإسفانه تا كنون اشغال نظامى فلسطين كه تقريبا سى سال از آن مى گذرد, هنوز به عنوان عملى غيرقانونى و تجاوزى آشكار به حقوق ديگران به جهانيان معرفى نشده است; در حالى كه اين كار درون جامعه ى امريكا جهت يهوديان مقيم به راحتى قابل اثبات است, هر چند تحقق آن به برنامه ريزى و تلاش همه جانبه اى نياز دارد.

 امروزه فشارهاى وارده بر امريكا و اسراييل و شعله ورشدن روز به روز خشم انتفاضه و توسعه ى كمى و كيفى قيام اسلامى مردم در تمامى نقاط فلسطين اشغالى از پيامدهاى افكار و انديشه هاى امام خمينى(قدس سره) است كه هماره مجاهدان و رهبران فلسطينى خود را پيرو ايده ها, افكار و انديشه هاى او مى دانند.

 حمايت گسترده و بى دريغ و همه جانبه ى جمهورى اسلامى ايران ـ براساس آرمان هاى امام خمينى(قدس سره) ـ از مردم فلسطين و قيامشان, مهم ترين عامل ادامه ى اين قيام در برابر تجاوزات اشغال گران قدس و هم چنين عامل بازدارنده از رو آوردن اغلب كشورهاى عربى و اسلامى به امريكا و اسراييل و افتادن آنان در آغوش توطئه هاى پليدانه و دسيسه هاى شيطانى آنان و ناديده گرفتن حقوق مردم فلسطين است. اهداف ايران اسلامى از قيام و انتفاضه ـ كه تنها راه خروج اسراييل از سرزمين هاى اشغالى است ـ مى تواند در 3 محور زير خلاصه شود:

 الف: تعميم تعلق مسإله ى فلسطين به تمام ملل و مسلمانان;

 ب: جلوگيرى از ضعيف ترشدن جبهه و موقعيت مسلمانان در قبال دشمنان اسلام كه در رإس آن امريكا و اسراييل است;

 ج: وادار نمودن جهان عرب و كشورهاى اسلامى جهت مقابله و ستيز با دسيسه هاى استكبار جهانى و حمايت و پشتيبانى از مقاومت اسلامى در فلسطين .

 اين حمايت از نهضت هاى اسلامى باعث موفقيت كليه ى آن ها شده است كه مى توان نمونه ى آشكار آن را در عصر در لبنان جست وجو كرد. پيروزى موفقيتآميز حزب الله لبنان در برابر توطئه هاى امريكا و اسراييل و بيرون راندن ارتش اشغالگر قدس از سرزمين هاى جنوب لبنان نتيجه ى آن حمايت ها است كه منجر به شكست اشغال گران, نه تنها در جنوب لبنان بلكه در داخل سرزمين هاى فلسطين شد. تا آن جا كه حتى خود اشغال گران به واماندگى و ضعف روحيه ى نيروهايشان در مقابله با انتفاضه نيز اعتراف كردند و فرماندهان نظامى آن ها خبر از احساس خودباختگى در ميان سربازان اسراييل دادند.

 افزايش تعداد سربازان اسراييلى زندان شده در سرزمين هاى اشغالى به علت عدم تيراندازى به سوى تظاهرات فلسطينى و ترس و رعب شديدى كه به جان سربازان اسراييلى افتاده, پيامد از خودگذشتگى نسل جديد انتفاضه است كه خود را به اصول و آرمان هاى دينى پايبند دانسته و به آن عمل مى كنند.

 اين امر موجب بروز بحرانى خطرناك در ميان اشغال گران قدس شده كه در نتيجه ى آن ((تل آويو)) به فراخوانى تمام افراد زير سن 45 سال جهت خدمت سربازى, براى مقابله با انتفاضه مجبور شده است.

 منابع:

 1. امام خمينى(قدس سره) و انقلاب اسلامى فلسطين, على ظاهرى.

 2. فلسطين چالشى بر سر راه آينده, ادوارد سعيد, ترجمه ى محمد تقى كرمى.

 3. التوراه الهير و غليفيه, فواد حسنين على.

 4. امام و مسإله ى فلسطين, محسن نور احمدى, نور 1379.

 5. رويكرد دوباره به مسإله ى فلسطين, على ضيايى.

 6. اشغال اسراييل و تإسيس كشور فلسطين, ريچارد هوستن, ترجمه ى احمد واقفى.

 7. صلح خاورميانه, مجله ى اطلاعات سياسى, اقتصادى, دى ماه 1380.

 8. مقابله با اسراييل, يوسف رضايى, روزنامه ى كيهان, بهمن 1379.

 9. رويداد فلسطين, ادوارد سعيد, ترجمه ى عباس سيد ميرجمكرانى.

 10. كشور فلسطين, سيد حسين حسينى.

 11. صهيونيست, فرويد ووين ـ ادوارد سعيد, ترجمه ى محمود صدوقى.